

مبتدا + فبر مرفوع مرفوع		در مضمور نواسخ	جمله ی اسمیة سافتار جمله
اسم فعل ناقصه(مرفوع) + فبر فعل ناقصه	افعال ناقصه : كان، صار و...		
اسم حرف مشبهة + خبر حرف مشبهة	حروف مشبهة بالفعل: إن، أن و ...		
اسم لای نفی جنس + فبر لای نفی جنس	لای نفی جنس		
فعل + فاعل + مفعول (برای افعال متعدی)		فعل معلوم	جمله ی
مرفوع منصوب		فعل مجهول	فعلیه
فعل مجهول + نائب فاعل (مرفوع)			

قضیه تشابه: افعال در زبان عربی به سه دسته ی فعل معلوم، فعل مجهول و فعل ناقصه تقسیم می شوند و هر کدام از این فعل ها دارای یک رکن اصلی مرفوع هستند که این رکن مرفوع اصلی به ترتیب برای فعل معلوم، فاعل، برای فعل مجهول، نائب فاعل و برای فعل ناقصه، اسم فعل ناقصه نامیده می شوند. طبق قاعده ی تشابه تمام ویژگی ها و نحوه ی پیدا کردن این سه رکن کاملاً به هم شبیه هستند؛ بنابراین اگر یکی از آنها را به طور کامل بررسی کنیم، گویی دو رکن دیگر را نیز بررسی کرده ایم. پس اکنون به بررسی فاعل می پردازیم.

فاعل: به ازای هر فعل معلوم یک کننده ی کار وجود دارد که در جواب "کی؟ چی؟" می آید و دارای اعراب مرفوع می باشد.

قواعد ایمنی پیرامون مبحث فاعل

- ✓ به ازای هر فعل معلوم، فاعل یکتاست.
- ✓ همواره فاعل بعد از فعل می آید.
- ✓ فاعل از نظر جنس با فعل همواره برابری می کند.
- ✓ اعراب فاعل همواره مرفوع می باشد.

۱. ضمیر بارز (ضمیر متصل رفعی) : ضمیری که در صرف فعل موجود و بعد از سه حرف اصلی بیاید و در صورت وجود در فعل، نقش فاعل را ایفا می کند.
۲. اسم ظاهر : اسمی که بعد از فعل با اعراب مرفوع در جواب به کی؟ چی؟ بیاید، آن را فاعل از نوع اسم ظاهر گویند.
۳. ضمیر مستتر : اگر فاعل از نوع ضمیر بارز یا اسم ظاهر نباشد، آن گاه آن را فاعل از نوع ضمیر مستتر می نامیم که برای نامیدن ضمیر مستتر از ضمائر "هو، هما، هم، هی و ..." استفاده می کنیم.

انواع
فاعل

يذهبُ المسلمونَ إلى المسجدِ .

↓
فاعل اسم ظاهر

مثال : المسلمونَ يذهبونَ إلى المسجدِ .

↓
فاعل ضمیر بارز واو

علیٌّ يذهبُ إلى المسجدِ .

↓
فاعل ضمیر مستتر هو

اکنون به بررسی تشخیص فاعل در فعل های ماضی، مضارع و امر می پردازیم :

فعل ماضی

دَهَبْتُ	دَهَبْتِ	دَهَبْتِ	دَهَبْتِ ×	دَهَبَ ×
دَهَبْنَا	دَهَبْتُمَا	دَهَبْتُمَا	دَهَبْتُمَا	دَهَبُوا
	دَهَبْتُمْ	دَهَبْتُمْ	دَهَبْتُمْ	دَهَبُوا

فعل مضارع

		↑ ۱۰۰٪ ضمیر مستتر أنتَ		
أذهبُ × ← ۱۰۰٪ ضمیر مستتر أنا	تذهبين	تذهبُ ×	تذهبُ ×	يذهبُ ×
نذهبُ × ← ۱۰۰٪ ضمیر مستتر نحن	تذهبن	تذهبن	تذهبن	يذهبن
	تذهبن	تذهبن	يذهبن	يذهبون

فعل امر

۱۰۰٪ ضمیر مستتر أنت

إذهبُ × ↑
 إذهبِي
 إذهبِ
 إذهبِي
 إذهبُوا

تذکر! همه ی صیغه های ماضی فاعل از نوع ضمیر بارز دارند به جز صیغه های ۱ و ۴.

همه ی صیغه های مضارع فاعل از نوع ضمیر بارز دارند به جز صیغه های ۱، ۴، ۷، ۱۳ و ۱۴.

همه ی صیغه های امر فاعل از نوع ضمیر بارز دارند به جز صیغه ی ۱.

تذکر! فاعل در صیغه های ۷، ۱۳ و ۱۴ مضارع و ۱ امر مخاطب ۱۰۰٪ ضمیر مستتر می باشد.

تذکر! فاعل در صیغه های ۱ و ۴ ماضی و ۱ و ۴ مضارع ممکن است ضمیر مستتر باشند یا ممکن است اسم

ظاهر باشد که برای حل این قضیه از قاعده ی عرب (۲) (۷ و ×) استفاده می کنیم.

✓ علیٌّ ذهبَ إلى المدرسةِ .
 × ذهبَ علیٌّ إلى المدرسةِ .
 کننده ی کار فاعل ضمیر مستتر
 فاعل اسم ظاهر

✓ کننده کار
 × کننده کار
 صیغه ۱ و ۴
 فاعل ضمیر مستتر
 فاعل اسم ظاهر

× ظَلَمَ قَارُونَ إِلَى قَوْمِهِ وَ اغْتَصَبَ حَقُوقَ النَّاسِ.

(۱) اسم ظاهر ضمیر مستتر

تذکر! کدام یک از جملات زیر صحیح است.

- كان المسلمون يذهبُ إلى المسجدِ.
- كانوا المسلمون يذهبونَ إلى المسجدِ.
- كان المسلمون يذهبونَ إلى المسجدِ.
- المسلمون كان يذهبونَ إلى المسجدِ.
- المسلمون كانوا يذهبونَ إلى المسجدِ.

- كَانَتْ الْمَسْلَمَاتُ تَذْهَبْنَ إِلَى الْمَسْجِدِ.

← همواره صیغه ی فعل ها در جمله غائب می باشد مگر اینکه در جمله نشانه ی مفاطب داشته باشید.

(۲) کننده ی کار + فعل

۱۰۰٪ باید از نظر جنس و تعداد با کننده کار تطابق داشته

باشد.

(۱) فعل + کننده ی کار

↓
فاعل اسم ظاهر

۱۰۰٪ در این شرایط فعل اول جمله مفرد می آید

اما از نظر جنس با کننده ی کار مطابقت دارد.

۱. ضمیر منفصل نصبی ← إِيَّاهُ، إِيَّاهِمَا، إِيَّاهُمْ، إِيَّاهَا و...

قبل از فعل نیز می توانند بیایند.

۲. ضمیر متصل نصبی ← فعل + (ه، هما، هم، ها، هما، هم، كَ، كُما، كُمْ، كِ و...

۳. اسم ظاهر ← اسمی که بعد از فعل با اعراب منصوب در جواب سوال چه چیز را؟

چه کس را؟ بیاید.

انواع
مفعول

❖ افعال دو مفعولی

برخی از افعال برای تکمیل معنای خود نیاز به دو مفعول دارند که مهمترین آنها در زبان عربی عبارتند از: جَعَلَ،

عَطَى، رَزَقَ، وَهَبَ، وَعَدَ و...

لازم به ذکر است که بهترین راه برای تشخیص افعال دو مفعولی این است که از این افعال به ترتیب بپرسیم (چه

کس/چیز را؟ - چی؟). حال اگر فعل ما به هر دو سوال ما پاسخ داد دو مفعولی است و در غیر این صورت دو

مفعولی نمی باشد. مثال: نُسَمَى هَذَا الْعَالَمَ عَادِلًا. (سراسری انسانی ۹۲ با کمی تغییر)

مفعول اول مفعول دوم

☑ تَذَكُّر! فعل + اسم ← × مجرور نیست ×

فاعل (مرفوع) - مفعول (منصوب)

جمله ی اسمیه : مبتدا + خبر
 ↓ ↓

اسم اول جمله تکمیل کننده ی معنای جمله

مبتدا و مرفوع مرفوع

انواع خبر

(۱) خبر مفرد (اسم) : هر گاه تکمیل کننده ی جمله یک اسم باشد، آن را خبر از نوع مفرد (اسم) در نظر می گیریم.

هو عالم.	المسلمون منتصرون.	المؤمن من يتوكل إلى الله.
مبتدا خبر مفرد مرفوع	مبتدا خبر مفرد مرفوع	مبتدا خبر مفرد جمله جار و مجرور
محلاً مرفوع		مرفوع محلاً مرفوع

مهمترین ساختارهای خبر مفرد به صورت زیر می باشد:

در شروع جمله :

- ۱- اسم ال دار + اسم بدون ال
- ۲- ضمیر منفصل رفعی (هو ، هما، هم و ...) + اسم بدون ال
- ۳- اسم اشاره + اسم بدون ال

☑ **تذکر!** اگر خبر اسم (مفرد) یک اسم مشتق باشد باید در صیغه (از نظر جنس و تعداد) از مبتدا تبعیت می

کند و اگر یک اسم جامد باشد، به هیچ عنوان نیازی به تطابق نیست.

المطالعة غذاء روح. ~~المجاهدة واجب.~~ ← واجبة.

مبتدا خبر مفرد م. الیه مبتدا(مونث) خبر

☑ **تذکر!** در جمله اسمیه عموماً مبتدا اسمی معرفه و خبر اگر از نوع مفرد باشد عموماً اسمی نکره خواهد بود.

(۲) خبر از نوع جمله ی فعلیه : هر گاه یک فعل (یک جمله ی فعلیه) در جایگاه تکمیل کننده ی معنا بیاید، آن

خبر را از نوع خبر جمله ی فعلیه گویند و اعراب آن همواره محلاً مرفوع می باشد.

المسلمون يذهبون إلى المسجد.

مبتدا و خبر جمله ی جارو مجرور
مرفوع فعلیه (محلاً مرفوع)

☑ **تذکر!** همواره اگر خبر از نوع جمله ی فعلیه (فعل) باشد، ۱۰۰٪ با مبتدا در جنس و تعداد تطابق دارد.

(۳) خبر از نوع جمله ی اسمیه : هر گاه در جایگاه تکمیل کننده ی معنا، یک جمله ی اسمیه بیاید، این جمله ی اسمیه خبر بوده و اعرابش محلاً مرفوع می باشد.

الكتابُ اورا فها نظيفةٌ ← خبر جمله ی اسمیه و محلاً مرفوع

مبتدا و مرفوع مبتدا م. الیه خبر مفرد

قالب خبر جمله ی اسمیه ← مبتدا + مبتدا + فبر (فبر جمله ی اسمیه محلاً مرفوع)

عموماً ← مبتدا + اسم + ضمیر + اسم بدون ال (فبر جمله ی اسمیه)

☑ **تذکر!** خبر جمله ی اسمیه به صورت زیر نیز می تواند بیاید :

المسلمونَ كانوا يذهبونَ إلى المسجدِ.

مبتدا و مرفوع خبر از نوع جمله ی اسمیه، محلاً مرفوع

← هر گاه خبر با یکی از نواسخ شروع شود، آن را خبر جمله ی اسمیه می نامیم.

(۴) خبر از نوع شبه جمله : زمانی که یک شبه جمله (جارو مجرور، ظرف و مظروف) در جایگاه تکمیل کننده ی

معنا (خبر) بیایند، آن را خبر از نوع شبه جمله ی محلاً مرفوع می نامیم.

← ظرف و مظروف : جهت ها (فوق - غیر - تحت - أمام و...) + اسم

مظروف

ظرف

الحمامةُ فوقَ الشجرةِ.

على في البيتِ.

خبر شبه جمله و محلاً مرفوع

جارو مجرور (خبر شبه جمله و محلاً مرفوع)

فبر مقدم و مبتدای مؤخر

شرایط برقراری خبر مقدم (۱) حتما خبر از نوع شبه جمله باشد.

(۲) مبتدا اسم نکره (عموماً تنوین دار) باشد.

تلمیذٌ فی البیتِ. ↔ فی البیتِ تلمیذٌ.

خبر مقدم مبتدای مؤخر

محلاً مرفوع مرفوع

تذکر! هر گاه در ابتدای جمله یک شبه جمله دیدیم، سریعاً ذهنمان به سراغ **خبر مقدم** می رود. البته به شرطی که بعد از شبه جمله یک اسم به عنوان مبتدای مؤخر ببینیم.

مثال: عندی ذرة. له حکیم.

شبه جمله مبتدای مؤخر	خبر مقدم مبتدای مؤخر
خبر مقدم محلاً مرفوع	محلاً مرفوع

تذکر! هنا - هناک خود ظرف هستند و در ابتدای جمله خبر از نوع **خبر مقدم (شبه جمله)** محسوب می شود.

تذکر! بدانید در اولویت خبر، همواره شبه جمله اولویت آخر خبر محسوب می شود؛ لذا اگر مثلاً بین یک اسم و یک شبه جمله در جایگاه خبر شک کنیم، حتماً اولویت با اسم (مفرد) است.

مثال: الله علی کل شیءٍ قدیر.

~~چارو مجرور~~ خبر

موفق باشید

